

## واکاوی عناصر نمایشی در "مقامات" حریری (۵۰۴ ه.ق)

خلیل پروینی<sup>۱</sup>، روح‌اله نصیری<sup>۲</sup>، کبری روشنفکر<sup>۳</sup>، محمدرضا خاکی<sup>۴</sup>

### چکیده

هر چند نمایشنامه، در دوره‌ی معاصر وارد ادبیات عربی شده، با بررسی آثار کلاسیک ادبیات عربی، روایت‌ها و حکایت‌هایی یافت می‌شوند که ظرفیت‌های نمایشی قابل توجهی دارند. با معرفی چنین حکایت‌هایی، می‌توان دست‌مایه‌های ارزشمندی در اختیار درام‌نویسان معاصر قرارداد؛ بدین طریق، هم آثار ادبی گذشته برای نسل معاصر بازتعریف می‌شود و هم آثار نمایشی معاصر از غنا و محتوای بیشتری برخوردار می‌گردد. در این مقاله، درصدد ظرفیت‌سنجی نمایشی مقامات حریری هستیم.

مقامات حریری، مشتمل بر پنجاه حکایت درام‌گونه است که بین سال‌های ۴۹۵ تا ۵۰۴ ه.ق. نوشته شده است. با بررسی حکایت‌هایی از "مقامات حریری" مشخص شد که این حکایت‌ها، عناصر "ساختاری درام" چون: تعریف، هماهنگی، آشفتگی، کشمکش، هول‌وولا، نتیجه و همچنین "عناصر نمایشی" چون موضوع، حادثه، شخصیت، گفتگو، زمان، مکان و حرکت (عمل دراماتیک) دارند. در این مقاله، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، عناصر نمایش در "مقامات حریری"، ظرفیت‌سنجی شدند تا بسآمد عناصر نمایشی در مقامات حریری مشخص شود، همچنین توجه درام‌نویسان معاصر به اقتباس موضوعات نمایشی از این کتاب، معطوف شود.

**کلیدواژه‌ها:** عناصر نمایش، ساختار درام، مقامات حریری.

kparvini@yahoo.com

r.nasiri@modares.ac.ir

Roshan@modares.ac.ir K

۱. دانشیار، دانشگاه تربیت مدرس، گروه زبان و ادبیات عربی

۲. دکترای رشته‌ی زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس تهران،

۳. استادیار دانشگاه تربیت مدرس، گروه زبان و ادبیات عربی

۴. دانشیار، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، گروه کارگردانی تئاتر.

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۱۳

## ۱. مقدمه

با توجه به این که نمایش در دوره‌ی معاصر، وارد ادبیات عربی شده، لذا بررسی ظرفیت‌های نمایشی در نثر کلاسیک عربی، چندان مورد توجه واقع نشده است؛ این در حالی است که در نثر کلاسیک عربی، آثاری وجود دارد که ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نمایشی فراوانی دارند.

مقامات حریری، پنجاه حکایت درام‌گونه دارد؛ حکایت‌هایی کوتاه با درون‌مایه و موضوع واحدی که با استمداد از واقعیت‌های جامعه و ترسیم شخصیت‌های خیالی و با استفاده از الفاظ پرطمطراق با گفتگوها و حرکات دراماتیک (نمایشی) به رشته‌ی تحریر درآمده است (مبارک؛ ۲۴۲).

در این مقاله، درصدد هستیم با مطالعه‌ی مقامات حریری به این دو سوال پاسخ دهیم: ۱. بسامد عناصر نمایش در مقامات حریری چگونه است؟ ۲. فراوانی عناصر نمایش در مقامات حریری به چه ترتیبی است؟

کتاب "مقامات حریری" ظرفیت‌های نمایشی‌ای چون: موضوع، گفتگو، شخصیت، زمان، مکان و ... دارد. این مقاله، از این لحاظ مهم است که بسامد عناصر نمایشی مقامات حریری را مشخص می‌کند؛ همچنین می‌تواند الگویی برای ظرفیت‌سنجی نمایشی سایر آثار کلاسیک عربی باشد و درنهایت، درام‌نویسان معاصر می‌توانند از آن، موضوعات نمایشی اقتباس کنند.

درباره‌ی "مقامات حریری"؛ تحقیق‌ها و پژوهش‌های متعددی وجود دارد؛ در اینجا به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم<sup>۱</sup>: کتابی با عنوان - "التصویر الاجتماعي فی مقامات الحریری" اثر مصطفی الصاوی<sup>۲</sup>؛ در این کتاب، محتوای مقامات از دیدگاه اجتماعی تحلیل شده است؛ مقاله‌ای با عنوان "چگونگی پیدایش مقامات" از

۱. در پیوست مقاله، به تعداد بیشتری از این موارد اشاره می‌کنیم تا تمایز مقاله‌ی حاضر با آثار معرفی شده مشخص گردد.

۲. الصاوی، مصطفی، "التصویر الاجتماعي فی مقامات الحریری"، مجله‌ی جمع اللغة العربیة، ج ۳، ۱۹۷۲م.

عبدالرحیم حقدادی<sup>۱</sup>؛ در این مقاله، به عوامل اجتماعی و فرهنگی اشاره شده است که سبب پیدایش مقامه گردیده؛ سپس به توضیح معنای اصطلاحی واژه‌ی مقامه پرداخته شده است؛ مقاله‌ای با عنوان "المقامة في الادب العربي و الآداب العالمية" از مهین حاجی‌زاده<sup>۲</sup>؛ در این مقاله، پیدایش مقامه و تطور آن در ادبیات عربی و ادبیات سایر ملت‌ها بررسی شده است؛ مقاله‌ای با عنوان "بررسی تطبیقی عنصر گفتگو در مقامات حریری و حمیدی" از حسن دادخواه<sup>۳</sup>؛ در این مقاله به بررسی و مقایسه‌ی عنصر گفتگو در مقامات حریری و حمیدی پرداخته شده است.

با توجه به مطالبی که ذکر شد مشخص می‌شود که موضوع این مقاله با موضوع آثار مذکور، تفاوت و تمایز دارد؛ زیرا در این مقاله، حکایت‌های مقامات از لحاظ ظرفیت‌های نمایشی، عناصر نمایشی و ساختار درامی، بررسی شده است.

روش اجرای پژوهش، بدین صورت است: ابتدا کل حکایت‌های مقامات حریری را مطالعه کردیم؛ سپس با مراجعه به کتاب "شناخت عوامل نمایش" اثر ابراهیم مکی و مطالعه‌ی عناصر نمایش‌نامه، به ظرفیت‌سنجی نمایشی حکایت‌هایی از مقامات، پرداختیم که نسبت به بقیه‌ی حکایت‌ها، قابلیت نمایشی بیشتری داشتند؛ لذا حکایت‌هایی که عناصر نمایشی آن‌ها اندک و یا ضعیف بود، مورد بررسی قرار نگرفت. از بین تمامی مقامه‌ها، نوزده مقامه، ظرفیت‌های نمایشی قابل توجه داشتند که با معرفی عناصر نمایشی، چگونگی حضور آن‌ها را در این

۱. حقدادی، عبدالرحیم؛ "چگونگی پیدایش مقامات"؛ مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات؛ دانشگاه تهران؛ پاییز ۱۳۷۹.

۲. حاجی‌زاده، مهین؛ "المقامة في الادب العربي و الآداب العالمية"؛ مجلة اللغة العربية و آدابها؛ السنة الثانية؛ العدد الرابع؛ الربيع و الصيف ۲۰۰۶ م.

۳. دادخواه، حسن و جمشیدی لیلا؛ "بررسی تطبیقی عنصر گفتگو در مقامات حریری و حمیدی"؛ مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز؛ دوره‌ی ۲۶؛ شماره‌ی دوم؛ پیاپی ۵۱؛ تابستان ۱۳۸۶.

نوزده مقامه بررسی کردیم. ابتدا مقامه‌ها را از لحاظ ساختار دراماتیک یعنی: تعریف، هماهنگی، ایجاد آشفتگی (گره‌افکنی)، کشمکش، هول‌وولا، نتیجه (فرود) و سپس از لحاظ سایر عناصر نمایشی چون: موضوع، حادثه، شخصیت، گفتگو، زمان و مکان و حرکت بررسی کردیم و سپس جدولی طراحی و ترسیم نمودیم که ستون‌های عمودی آن، مختص به اسامی مقامه‌ها بودند و در ستون‌های افقی آن، عناصر نمایشی ذکر شده بود؛ با رسم این جدول، وجود داشتن یا نبودن هر یک از عناصر نمایشی برای هر یک از نوزده مقامه، مشخص شد و سپس فراوانی درصدی هریک از عناصر نمایشی برای مقامه‌های مورد مطالعه مشخص شد.

شایان ذکر است که دو عنصر "بحران" و "فاجعه" زیرمجموعه‌ی ساختار درام هستند؛ ولی با توجه به اینکه فضا و مضمون حکایت‌های مقامات حریری، کمیک، سرگرم‌کننده و خنده‌دار است و دو عنصر "بحران" و "فاجعه" اغلب مربوط به نمایش از نوع "تراژدی" است، نه "کمدی" (گربانیه؛ ۳۵۷)، لذا این دو عنصر، در حکایت‌های مقامات، بررسی نمی‌شود.

## ۲. مقامات حریری

واژه‌ی "مقامه" در لغت به معنی مجلس و جماعت حاضر در مجلس و نیز سخنرانی است و از قیام سخنور در میان جمع گرفته شده است و در اصطلاح ادبی، مقامه از انواع داستان‌های کهن است که با نثر مصنوع آمیخته با شعر، در مورد قهرمانی است که به صورت ناشناس در حکایت‌ها ظاهر می‌شود و به قصد در یوزگی، حوادثی را به وجود می‌آورد و همین که در پایان حکایت، شناخته می‌شود، ناپدید می‌گردد تا آنکه دوباره در هیبتی دیگر، در مقامه‌ی بعدی ظاهر گردد. مقامات مجموعه‌ای از حکایت‌های مجزا هستند که وحدت موضوع دارند. (شمیسا، ۲۰۷).

مقامات، حریری، مشتمل بر پنجاه حکایت درام گونه است که بین سالهای ۴۹۵ تا ۵۰۴ هـ ق. به زبان عربی نوشته شده است (مبارک، ۲۴۲). حریری دو شخصیت خیالی خلق کرده: یکی، حارث بن همام است که به عنوان راوی، حکایتها را نقل می کند و دیگری ابوزید سروجی است که به عنوان قهرمان حکایتها، پیوسته در حال سفر است و با قدرت بیان و بلاغت خود و با حيله‌ها و ترفندهایی که به کار می‌گیرد، کسب روزی می‌کند (ضیف، بی تا: ۳۰۱).

موضوع اصلی مقامه‌ها، ماجرای چرب‌زبانی‌ها و مال‌اندوزی‌های گدایی شیاد به نام "ابوزید سروجی" است که با سخنان نافذ خود که با اشعار و آهنگ‌های کلامی همراه است، سعی دارد مردم را فریفته و از آن‌ها گدایی کند. البته موضوعات دیگری چون: وعظ، تشویق به نیکوکاری و پرهیز از دنیاپرستی نیز در خلال چندین مقامه، از جمله، مقامه‌های اول، دوم، سوم، یازدهم، دوازدهم، بیست و یکم و بیست و پنجم دیده می‌شود.

### ۳. نمایش‌نامه و عناصر آن

"نمایش‌نامه" متنی ادبی است که در مرحله‌ی اجرا کامل می‌شود؛ روی صحنه جان می‌گیرد و با عناصر دیگر نمایش تکمیل می‌شود؛ در سینما به آن فیلم‌نامه می‌گویند. داستان و نمایش‌نامه، هر دو بیانگر رفتار شخصیت‌ها و حوادث زندگی آنان هستند" (باقرزاده طوسی؛ ۱۹). در تعریف نمایش‌نامه، چنین آورده شده: "نمایش‌نامه داستانی است که برای اجرا نوشته شده، به اجزای خاصی تقسیم می‌شود و به وسیله‌ی عنصر حرکت به پیش می‌رود و به وسیله‌ی شخصیت‌ها و گفتگو اجرا می‌شود (الرعی، ۲۳).

ادبیات نمایشی، متشکل از عناصر متعددی است که پیوستگی و وابستگی محکمی بین آن‌ها وجود دارد. عناصری که ساختار یک نمایش‌نامه را تشکیل

می‌دهند، برخی در طرح داستانی اثر حضور دارند و برخی هنگام اجرا پدید می‌آیند؛ از این رو می‌توان گفت عناصر سازنده‌ی نمایش هم «روایی» هستند؛ مانند: ساختار نمایشی، موضوع، حادثه، شخصیت، گفتگو، درگیری، زمان و مکان و حرکت که قابل توصیف هستند و هم «اجرایی» هستند؛ مانند: نورپردازی، صحنه‌پردازی، چهره‌آرایی و... که دیداری و شنیداری‌اند (مکی، ۱۶۳) در ادامه، به تعریف و بررسی مختصر عناصر روایی - نمایشی می‌پردازیم و سپس چگونگی حضور آن‌ها را در مقامات حریری معرفی می‌کنیم.

عناصر یک متن نمایشی عبارت‌اند از:

۳-۱. ساختار (الجُبکة): ساختار که خود یکی از عناصر نمایش است، زیرمجموعه‌هایی به شرح زیر دارد:

۳-۱-۱. تعریف (العرض): جزئی جدا نشدنی از تمام لحظات نمایش است که در طول نمایش، بی‌وقفه جریان دارد و به‌وسیله‌ی آن، اطلاعاتی درباره‌ی مکان و زمان واقعه، اشخاص عمده‌ی بازی، نوع ارتباط شخصیت‌ها با همدیگر، فرهنگ و افکار آن‌ها داده می‌شود (شاکر، ۸۲). برخورد دراماتیک، جز در معدود نمایش‌نامه‌هایی که براساس یک شخصیت بنا شده، دست‌کم، متکی بر دو شخصیت است؛ این دو نفر لازم است سر موضوعی با هم کشمکش و نزاع کنند تا آنکه تماشاگر بداند آن‌ها کیستند و بر اساس این شناخت مقدماتی حدس بزند که در آینده چه خواهد گذشت (مکی، ۱۶۸) با دقت در مقامات حریری، مشخص می‌شود که او آگاهانه یا ناآگاهانه عنصر تعریف را در مقامه‌ها به‌کار برده است؛ حریری دو شخصیت اصلی مقامه‌ها یعنی "حارث" و "ابوزید" را در مقامه‌ی اول (صناعیه) به‌هم معرفی می‌کند و نگرش هر یک نسبت به مسائل پیرامون را آشکار می‌سازد تا در حرکت پر فراز و نشیب مقامات بعدی، برای ایجاد درگیری، کشمکش، یا گره‌گشایی از آن‌ها استفاده کند. به‌وسیله‌ی عنصر

تعریف، شخصیت‌های اصلی و فرعی مقامه‌ها (حارث بن همام، ابوزید سروجی و ...)، موضوع (دریوزگی)، حال و هوا و فضای مقامه‌ها (طنز همراه با نقد اجتماعی)، نوع ارتباط شخصیت‌ها با یکدیگر و افکار شخصیت‌ها مشخص شده است. عنصر تعریف در همه‌ی مقامه‌ها به‌کار رفته است؛ بدین صورت که مقامه‌ها به‌صورت روایت، توسط حریری شروع می‌شوند؛ اما بلافاصله راوی (حارث بن همام) جایگزین او می‌شود و به نقل حکایت و معرفی زمان و مکان، اشخاص، حادثه و سایر عناصر مهم آن می‌پردازد. عنصر تعریف در مقامه‌ها به‌گونه‌ای است که نظر مخاطب را جلب می‌کند و حس تعلیق را در او برمی‌انگیزد تا مشتاقانه، ادامه‌ی حکایت را پیگیری کند.

۳-۱-۲. هماهنگی (التضاد الدراماتیکی): در یک متن نمایشی، ترکیب اشخاص بازی و در کنار هم قرار دادن آن‌هاست به طریقی که آشفتگی حاصل شود. هماهنگی با یکنواختی، متفاوت و حتی می‌توان گفت در تناقض با آن است (قادری، ۱۳۸۸: ۶۰). در یک هماهنگی کامل، اشخاص بازی در اغلب جهات: سن، جنس، پایگاه اجتماعی و خلق و خو، با یکدیگر متفاوت هستند. شخصیت اصلی مقامه‌ها یعنی ابوزید سروجی یکی از عوامل اصلی هماهنگی دراماتیک در مقامه‌های مورد مطالعه است؛ زیرا حریری او را به صورتی شخصیت‌پردازی کرده که افکار، اخلاق، آمال و سایر ویژگی‌هایش در تناقض با خصوصیات سایر شخصیت‌های مقامه‌ها است؛ برای نمونه عنصر "هماهنگی" در مقامه‌ی اول (صناعیه) در دو شخصیت متناقض حارث بن همام و ابوزید سروجی بروز کرده است؛ حارث بن همام شخصیتی درست‌کار و کنج‌کاو است؛ ولی ابوزید سروجی شخصیتی ریاکار و محافظه‌کار است که در فکر استثمار مردم است؛ همچنین سخنان ابوزید سروجی و اندرزها و پندهایی که در آغاز مقامه برای مردم به‌کار می‌گیرد، با وضعیت وی در قسمت انتهایی مقامه، در درون غار با غلام و سفره‌ای

رنگین، متناقض است و "هماهنگی" دراماتیک محسوب می‌شود. پایه و اساس هماهنگی که آشفته‌گی را موجب می‌شود و شخصیت‌ها را از سکون و رخوت بیرون می‌آورد و به جنبش وامی دارد بر دو پایه‌ی اجتماع ضدها و یا تفارق احباب استوار است (مکی، ۱۷۷). در مقامات حریری پایه و اساس هماهنگی، اجتماع ضدها است. با مطالعه‌ی مقامه‌ها مشخص می‌شود که زیرکی، فریب‌کاری، سخنوری و فرصت‌طلبی ابوزید سروجی با ساده‌لوحی و زودباوری سایر شخصیت‌ها هماهنگ شده و آشفته‌گی و حادثه‌ی مقامه‌ها را ایجاد کرده است.

۳-۱-۳. ایجاد آشفته‌گی و گره‌افکنی (البَلْبَلَة): این مرحله را "بحران نهفته" نیز می‌توان نامید؛ زیرا نقطه‌ای است که مسیر وقایع عادی را تغییر می‌دهد؛ تعادلی را که حاکم بر اوضاع بوده برهم می‌زند و در مسیر حوادثی جدید می‌اندازد. آشفته‌گی در نمایش، با ظهور موانعی همراه است که دارای نیروی قوی بوده و غالباً متضاد با آمال و آرزوهای شخصیت اصلی نمایش است (کریفش، ۲۸). شرایط ظهور آشفته‌گی با شروع "تعریف" یعنی از همان مرحله‌ی شروع نمایش فراهم می‌آید و در طول آن در تار و پود تک‌تک صحنه‌ها ریشه می‌دواند و به کمک عامل کشمکش کم‌کم از عمق رویدادها بیرون کشیده می‌شود و در سطح وقایع جاری، آشکارا خود را می‌نمایاند و بحران اساسی را پدیدار می‌سازد.

ابوزید سروجی در رخداد هماهنگی دراماتیک در تمامی مقامه‌ها نقش دارد، اما عنصر آشفته‌گی در مقامه‌ها گاهی برای ابوزید و گاهی برای سایر شخصیت‌های فرعی اتفاق می‌افتد. عنصر آشفته‌گی در مقامه‌ها بسیار زود، ظاهر می‌شود و معمولاً حریری با روبه‌رو کردن حارث و ابوزید یا وضعیتی نامتعادل برای حارث و گاه برای ابوزید، آشفته‌گی مقامات را ایجاد می‌کند. آشفته‌گی برای ابوزید اغلب این‌گونه رخ می‌دهد که فریب‌کاری او برای حارث‌ابن همام برملا می‌شود و ابوزید می‌کوشد، فریب‌کاری خود را توجیه کند؛ اما آشفته‌گی برای حارث‌ابن



همام اغلب این گونه رخ می‌دهد که دچار تهیدستی یا مشکلی می‌شود و یا اینکه خود و همراهانش طعمه‌ی فریب‌کاری ابوزید سروجی می‌شوند. شایان ذکر است که وقتی آشفته‌گی برای شخصیت‌هایی رخ می‌دهد که در آغاز مقامه ناشناخته هستند، معمولاً این نوع آشفته‌گی‌ها تصنعی هستند و اغلب توسط ابوزید برای فریب‌کاری و سوءاستفاده از سایر شخصیت‌ها برنامه‌ریزی شده‌اند.

۳-۱-۴. کشمکش (التضارب): مقابله‌ی دو نیرو یا دو شخصیت است که بنیاد حوادث را پی می‌ریزد. شخصیت اصلی با نیروهایی که علیه او برخاسته‌اند و با او سر مخالفت دارند، به نزاع و مجادله می‌پردازد. این نیروها ممکن است اشخاص دیگر یا اجسام و موانع یا قراردادهای اجتماعی یا خوی و خصلت خاص خود شخصیت اصلی باشد که با او سر ناسازگاری دارند و یا می‌تواند ترکیبی از همه‌ی این‌ها، در برابر شخصیت بایستد و با او به مقابله بپردازد و ترکیبی از چند نوع کشمکش به وجود آورد (میرصادقی، ۷۳). کشمکش به هر طریق و علتی که صورت گیرد، تعلیق را به‌وجود می‌آورد و داستان را به بزنگاه یا نقطه‌ی اوج می‌رساند تا گره‌گشایی صورت گیرد. بدون کشمکش، مقوله‌ای به نام نمایش وجود ندارد؛ زیرا تماشاگر به منظور دیدن کشمکش به دیدن تئاتر می‌رود. انواع آن به‌طور اختصار عبارت‌اند از: جسمانی، ذهنی، عاطفی و اخلاقی.

اساس ایجاد کشمکش در مقامات حریری شخصیت‌ها هستند. حریری، پس از معرفی شخصیت‌ها آن‌ها را در مقابل هم قرار می‌دهد؛ این تقابل، گاه با رویارویی حارث‌ابن همام و ابوزید و گاه با رویارویی ابوزید و شخصیت‌های فرعی دیگر و گاه با رویارویی شخصیت‌های ناشناس انجام می‌شود. زمانی که رویارویی بین شخصیت‌های ناشناس است، غالباً کشمکش تصنعی است و شخصیت‌های ناشناس، ابوزید سروجی و یکی از نزدیکان او یعنی پسر یا همسر وی هستند که در هیئتی مبدل، ظاهر شده و سبب نزاع شده‌اند. گاه، کشمکش در مقامات

حریری فکری است و رقابت بین ابوزید سروجی با دیگر شخصیت‌ها صورت می‌گیرد که ابوزید با زیرکی و مهارت در کشمکش فکری موفق می‌شود و به تبع آن، به خواسته‌های خود می‌رسد؛ برای نمونه، می‌توان به مقامه‌های مراغیه، فرضیه، مغربیه و فراتیه اشاره کرد. گاه نیز کشمکش در مقامات، اخلاقی است؛ زیرا ابوزید، غالباً به اصول اخلاقی پایبند نیست و راستی و درستی، قدرشناسی و نوع‌دوستی و اخلاص و تقوا را کنار می‌گذارد و یا با آن‌ها می‌ستیزد تا از این راه، سایر شخصیت‌ها را بفریبد و به خواسته‌های خود برسد؛ ولی در نهایت، در مقامه‌ی بصریه، او از اعمال خود پشیمان می‌شود و کشمکشی عاطفی در وی پدید می‌آید و ابوزید را به سوی توبه و زهد سوق می‌دهد. در مقامات، کشمکش جسمانی به ندرت، یافت می‌شود که غالباً نیز تصنعی است.

۳-۱-۵. هول وولا یا تعلیق (المطاللة): به معنای مبهم نگه‌داشتن نتیجه‌ی حادثه‌ای است که تماشاگر به شدت، مشتاق به آگاهی از سرانجام آن است؛ از این رو مخاطب مجبور می‌شود برای رسیدن به جواب پرسش‌های خود، ادامه‌ی حوادث را پیگیری کند (نوراحمد، ۲۰۴).

اساس "تعلیق" این است که خواننده، نسبت به نتیجه‌ی حکایتی که مطالعه می‌کند، ناآگاه باشد. حریری نیز از این ویژگی، به صورت شایسته‌ای استفاده کرده است؛ زیرا در اغلب مقامه‌ها، حریری بلافاصله بعد از معرفی فضای مقامه و آشنا ساختن خواننده با موضوع آن، گره‌افکنی را مطرح می‌کند که به تبع همین گره‌افکنی، خواننده با هول وولا و تعلیق مواجه می‌شود و علاقه‌مند می‌شود از سرانجام مقامه آگاهی یابد. در اغلب مقامه‌ها، هول وولا براساس شخصیت یا شخصیت‌های مقامه‌ها صورت می‌گیرد؛ بدین صورت که شخصیت یا شخصیت‌ها در وضعیت و موقعیت دشواری قرار می‌گیرند و خواننده با آن‌ها احساس هم‌ذات‌پنداری می‌کند و به تبع این هم‌ذات‌پنداری به شدت علاقه‌مند می‌شود که

قهرمان مقامه، به هدفش برسد و از پیچیدگی‌ها رهایی یابد؛ اما این فقط در حد انتظار است و واقعیت و چگونگی انجام آن قابل پیش‌بینی نیست. این دو شرط، همان دو اصل مهم عامل تعلیق هستند که در بیشتر مقامه‌ها وجود دارند.

بدیهه‌گویی‌ها، طرح معماهای ادبی و فقهی، اپیزودهای بعضی از مقامه‌ها، تضاد و تعارض بین گفتار و کردار ابوزید در برخی از مقامه‌ها، تغییر چهره دادن‌های ابوزید و شناخته شدن او در انتهای مقامه، فریب‌کاری ابوزید و سپس لو رفتن او و یا به تنگنا افتادن حارث‌ابن همام، برخی از مهم‌ترین عنصرهای تعلیق در مقامات محسوب می‌شوند. حریری با ایجاد گره‌افکنی، کوشیده تا هم حس کنجکاوی خواننده را برانگیزد و هم پایان حکایت را غیرقابل پیش‌بینی جلوه دهد تا خواننده، برای آگاهی از سرانجام آن، ادامه‌ی مقامه را مطالعه کند.

۳-۱-۶. **فرود (النهاية):** گشودن گره‌ها و معماها و برطرف شدن سوء تفاهم‌ها و پایان انتظار است. بدین ترتیب، عمل داستانی، سامان می‌یابد و سرنوشت شخصیت شکل می‌گیرد (میرصادقی، ادبیات داستانی، ۲۹۷).

پایان‌بندی مقامه‌ها دو کاربرد اساسی دارد: اول اینکه به حالت انتظار خواننده پایان می‌دهد؛ یعنی پیچیدگی و ابهام مقامه‌ها را برطرف می‌کند و دوم اینکه باعث می‌شود تا خواننده، هرچه بیشتر با قهرمان مقامه‌ها یعنی ابوزید سروچی آشنا شود و در انتهای مقامه‌ها همه‌ی مسائل، درنهایت روشنی، تحلیل شوند و خواننده، پیام کلی مقامه‌ها را دریافت کند.

پایان‌بندی موقت مقامه‌ها بیانگر این نکات است: ابوزید سروچی فردی زیرک، فرصت‌طلب، موقعیت‌سنج و کاردان است؛ اما نتیجه و پایان‌بندی کلی مقامات، این است که ابوزید حرکتی رو به سوی کمال دارد. مقامه‌ی آخر، پایان تمام گره‌ها و ابهامات سیر مقامات است. در مقامه‌های اخیر، ابوزید با ورود به هر مکان، به شیوه‌ی مؤدبانه‌تری سلام می‌کند، بدون اینکه نفاق و دورویی در وی

باشد. همین روند در دیگر مقامات، کمابیش ادامه دارد تا اینکه در مقامه‌ی آخر، ابوزید به یک زاهد مبدل می‌شود و مقامات با مصافحه‌ی حارث و ابوزید و نصیحت ابوزید به حارث "اجعل الموت نصب عینک" به پایان می‌رسد و با این عبارت قرآنی ابوزید "هذا فراق بینی و بینک" حارث با چشمانی اشک‌بار از ابوزید جدا می‌شود. این آخرین دیدار دو شخصیت اصلی مقامه‌ها است؛ پایانی دراماتیک که وجهه‌ی الهی و ربّانی یافته است و در نتیجه، پایان خوشی برای مقامات رقم زده است.

بعد از معرفی عناصر ساختار درام، که خود یکی از عناصر نمایش است، اینک سایر عناصر نمایش را معرفی می‌کنیم و چگونگی حضور آن‌ها را در مقامات، بررسی می‌کنیم.

۲-۳. موضوع (الموضوع): مفهومی است که داستان درباره‌ی آن نوشته می‌شود؛ مفاهیمی همچون: جنگ، عشق، تنهایی، فقر، مرگ و... موضوع‌های داستانی هستند اما درون‌مایه یا مضمون، جهت‌گیری نویسنده را نسبت به موضوع داستان نشان می‌دهد (بی‌نیاز؛ ۵۰-۵۲). درونمایه چیزی است که از موضوع به دست می‌آید، برای نمونه، موضوع داستان‌های "رقص مرگ" از بزرگ علوی و "آینه‌ی شکسته" از هدایت، هر دو درباره‌ی مفهوم "عشق" است، اما آنچه این دو داستان را از هم متمایز می‌کند، درونمایه‌ی آن‌هاست. درونمایه‌ی داستان کوتاه "آینه‌ی شکسته" عبارت است از: "شکست در عشق اغلب نتایج ناخوشایندی به بار می‌آورد" اما درونمایه‌ی داستان "رقص مرگ" این است: "عشق موجب ایثارگری است" (میرصادقی؛ ۱۷۴). در نمایش نیز درون‌مایه از موضوع به وجود می‌آید؛ (میرصادقی؛ واژه‌نامه‌ی هنر داستان؛ ۱۱۰) به عنوان مثال "سرنوشت" می‌تواند موضوع نمایش باشد و درون‌مایه‌ی آن "انسان در سرنوشت خود دخیل است" و یا برعکس، "انسان در تعیین سرنوشت خود هیچ نقشی ندارد".

موضوع کلی مقامه‌ها درباره‌ی "دریوزگی" است؛ اما درباره‌ی درونمایه‌ی آن‌ها می‌توان چنین گفت: فقر و تهیدستی سبب شده تا ارزش‌ها قربانی شوند و حتی ادیبان از مهارت ادبی خود برای ارتزاق استفاده کنند. درونمایه‌ی مقامات بیشتر متوجه انتقاد اجتماعی با تعبیری تند و گزنده از تناقضات اجتماعی است (الکعبی؛ ۱۵۰-۱۵۱).

۳-۳. **حادثه (الحَدَث المسرحی):** ترکیبی از انگیزه و عمل شخصیت است و با او رابطه‌ی تقابلی دارد (بهشتی، ۲۹) یعنی او را به واکنش وامی‌دارد و سبب حادثه‌ی دیگری به‌وسیله‌ی وی می‌شود. حادثه، قضیه یا موردی است که واقعه‌ای اتفاق می‌افتد که روند عادی زندگی را به هم می‌ریزد و باعث آشفتگی می‌شود. حوادث مقامه‌ها اغلب در سفر و در اثنای گدایی یا در نتیجه‌ی آن به‌وجود می‌آیند. اغلب، شخصیت کنجکاو و زیرک حارث بن همام در تقابل با شخصیت ریاکار و زیرک ابوزید، حادثه ایجاد می‌کند. هرچند مقامات، موضوع واحدی دارند، حوادث آن‌ها ارتباط چندانی با هم ندارند. ویژگی حوادث مقامات، سادگی آن‌هاست و بیشتر به موضوعات اجتماعی می‌پردازند. حوادث در مقامات چه به‌صورت مستقل و چه به‌صورت یک کل، به‌سوی یک نتیجه‌ی نهایی در حرکتند و آن، مشخص کردن سرانجام ابوزید است (الموافی؛ ۷۰).

۳-۴. **شخصیت (الشخصیة):** مهم‌ترین عنصر حادثه است؛ زیرا نمایش‌نامه، داستانی است که شخصیت‌ها آن را اجرا می‌کنند (اخلاصی، ۲۶)؛ به‌عبارت دیگر، شخصیت، فرد ساخته‌شده‌ای است که مانند شخصیت‌های واقعی از ویژگی‌هایی برخوردار است و با این ویژگی‌ها در داستان یا نمایش ظاهر می‌شود (گشایش؛ ۳۱).

تنها شخصیت کل مقامه‌ها، خود حریری است که پشت دیگر شخصیت‌ها پنهان شده و آرا و افکار خود را به‌وسیله‌ی آن‌ها و از زبان آن‌ها بیان می‌کند. حریری از واقعیت‌های محیطش بهره گرفته تا آرا و افکارش را به‌وسیله‌ی شخصیت‌ها حارث‌بن همام، ابوزید سروجی و... بیان کند.

حریری در پردازش شخصیت‌ها، بیشتر تلاش خود را صرف پردازش دو شخصیت؛ "راوی" (حارث‌بن همام) و قهرمان (ابوزید سروجی) کرده است؛ حارث‌بن همام به عنوان راوی، اولین شخصیتی است که خواننده با او آشنا می‌شود، وی انسانی متعهد و کنجکاو است و غالباً ریاکاری‌ها و گدایی‌های ابوزید، توسط او آشکار می‌شود. حارث اغلب در سفر است و در اثنای سفر با ابوزید روبه‌رو می‌شود. همچنین حارث، شخصیتی ایستا است؛ اما ابوزید، مهم‌ترین شخصیت مقامه‌ها است؛ زیرا راوی در تمامی مقامه‌ها، حوادث و وقایع مربوط به او را نقل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان مقامات را شبیه به درام از نوع فردگرا دانست. ابوزید همیشه در مقامات، چهره عوض می‌کند؛ شخصیتی فریب‌کار، اما دارای سرشت و طبیعتی پاک است. ابوزید برخلاف حارث‌بن همام، شخصیتی پویا است؛ زیرا در مقامه‌ی آخر از کارهای سابق خود پشیمان شده و توبه می‌کند و در نهایت، به شکل زاهدی خداجو، از دنیاپرستی کناره می‌گیرد و به‌سوی خداپرستی و حقیقت‌طلبی می‌رود.

برخی از شخصیت‌های مقامات حریری مانند همسر ابوزید، پسر او، قاضی، والی و حاضران در مجلس که سبب می‌شوند تا شخصیت اصلی، بهتر و برجسته‌تر به ظهور رسد را می‌توان شخصیت‌های مقابل نامید. در برخی از مقامه‌ها، شخصیت‌های مخالف نیز دیده می‌شوند که به معنای خاص کلمه، نمود چندانی ندارند بلکه همان شخصیت‌های فرعی هستند که گاه، به‌عنوان

شخصیت‌های مخالف ظاهر می‌شوند و با شخصیت‌های اصلی از در ستیزه درمی‌آیند.

مقامات حریری، متعلق به عصر عباسی است؛ بنابراین ویژگی‌های شخصیت‌ها نیز متعلق به این عصر است؛ نوع پوشش شخصیت‌ها چون: عمامه و طیلسان، شیفتگی آنان به شنیدن سخنان فصیح، حضور آنان در جلسات برای شنیدن سخنرانی، گرایش والیان به غلامان، تظاهر آنان به دینداری و پرداختن به می‌خوارگی در خفاء همگی از ویژگی‌های شخصیت انسان‌ها در عصر عباسی است که در شخصیت‌پردازی مقامات به‌کار رفته‌اند.

**۳-۵. گفتگو (الحوار):** "صحبتی" را که میان دو شخص یا بیشتر ردوبدل می‌شود، یا آزادانه در ذهن شخصیت واحدی در اثری ادبی (داستان، نمایشنامه، شعر و...) پیش می‌آید، گفتگو می‌نامند. گفتگو مهم‌ترین ویژگی نمایش است و بنیاد تئاتر را پی‌می‌ریزد، پیرنگ را گسترش می‌دهد؛ شخصیت را معرفی می‌کند و عمل داستانی را به پیش می‌برد (مکی؛ ۱۳۸).

گفتگو نقش مهمی در مقامات دارد و نیمی از حجم آن‌ها را به خود اختصاص داده است. در مقامات، گره‌افکنی، تعلیق، کشمکش و گره‌گشایی، که از اجزای مهم ساختار درام هستند، با عنصر گفتگو شکل می‌گیرند و حوادث فرعی به‌صورت توصیفی بیان می‌شوند؛ زیرا گفتگو بهتر از روایت می‌تواند تخیل، حس، حرکت و جاذبه‌ی داستان را به‌هم بیامیزد (دادخواه؛ ۱۳۲). در مقامات، گاه گفتگوها در عین زیبایی به‌صورت معماگونه و مبهم مطرح می‌شوند تا عنصر تعلیق را در داستان، تقویت کنند و پیرنگ را گسترش دهند.

گفتگو در مقامات، عموماً میان شخصیت اصلی یعنی ابوزید و دیگر شخصیت‌ها صورت می‌گیرد؛ گاهی شخصیت اصلی از راه گفتگو، با همه‌ی حاضران در مجلس، ارتباط برقرار می‌کند. این گفتگو تا حد زیادی به

"تک‌گویی‌نمایشی" نزدیک است و اغلب میانه‌ی حکایت را به خود اختصاص داده است. این گفتگوها که اغلب میان ابوزید و شخصیت‌های فرعی صورت می‌پذیرند، سخنان پندآمیزی هستند در مذمت دنیا و لزوم پرداختن به آخرت تا او بتواند از این طریق، حاضران را وادار به دادن صدقه و انفاق کند.

به‌وسیله‌ی عنصرگفتگو، حوادث مقامه‌ها مشخص می‌شوند، شخصیت‌ها خلق می‌شوند و خلق و خو و افکار آن‌ها برای خواننده مشخص می‌شود. حریری، طرح داستان را به کمک گفتگوی اشخاص، طبیعی‌تر و روان‌تر از نقل به پیش برده است؛ بنابراین در داستان‌های مقامات، شخصیت‌ها واقعی می‌نمایند؛ زیرا هر قطعه از گفتگوی‌شان در راستای کمک به نشو و نمای شخصیت آنهاست و کنش، کشمکش، تعلیق و هیجان داستان به‌وسیله‌ی گفتگوی آن‌ها اوج می‌گیرد. شخصیت‌های مقامات، مجبور به ادای کلماتی خارج از مضمون، محتوا و حال و هوای داستان نیستند. گفتگوهای علمی، خشک و بی‌روح نیز مطرح نمی‌شود؛ بلکه همه به‌میزان نقش و وظیفه‌ای که در داستان دارند، در گفتگو شرکت می‌کنند؛ حتی آن‌گاه که ابوزید یک نفره، بسیار طولانی سخن می‌گوید، به اقتضای موقعیت و وضعیت او در آن شرایط ویژه‌ی داستانی است؛ لذا گفتگوهای مقامات، مانند دیگر گفتگوهای روزمره‌ی انسان‌های واقعی، در حقیقت، بیانگر شخصیت افراد آن است و فضای مقامات، بسیار به درام از نوع واقع‌گرا شبیه است.

با توجه به اینکه گفتگو از مهم‌ترین عناصر نمایش است، می‌توان گفت کاربرد زیاد عنصر گفتگو در مقامات، سبب شده تا حکایت‌های مقامات، حالتی شبیه به نمایش‌نامه داشته باشند.

۳-۶. زمان و مکان (الزمكانية): حوادث نمایش در دو ظرف "زمان و مکان" شکل می‌گیرند؛ زیرا نمایش، تقلیدی از زندگی واقعی انسان است و زندگی



انسان نتیجه‌ی وجود او در دو ظرف زمان و مکان است (ابوعیسی؛ ۴۰). شایان ذکر است که دو عنصر زمان و مکان در متن نمایشی به صورت محدود مطرح می‌شوند؛ زیرا طرح کامل این دو عنصر، خارج از قابلیت‌های تئاتر است. هر حادثه‌ای یک زمان و مکان عام (کلان) و یک زمان و مکان خاص دارد. مقامات از لحاظ "زمانی" بین سال‌های (۴۹۵ - ۵۰۴ هـ ق) نوشته شده‌اند؛ یعنی بیانگر ویژگی‌هایی از "عصر عباسی" هستند. زمان خاص حوادث در بعضی از مقامه‌ها مشخص شده است. ترتیب زمانی حوادث نیز تقریباً رعایت شده است. حریری، اغلب زمان را به صورت مستقیم مطرح نمی‌کند، بلکه بیشتر به صورت تلویحی به زمان رخداد حوادث اشاره می‌کند.

معمولاً ابوزید در یک مکان پر رفت و آمد، دام‌گدایی خود را پهن می‌کند و بعد از به ثمر نشستن ریاکاری‌ها و ترفندهایش به مکانی خلوت و دور از چشم مردم، عزیمت می‌کند و در آنجا بساط پذیرایی از خویشان را فراهم می‌کند؛ البته در بیشتر این موارد حارث بن همام از راه می‌رسد و عیش او را بر هم می‌زند. تعداد زیادی از مقامه‌ها، با توجه به مکانی که در آن رخ داده‌اند، به نام همان مکان نامگذاری شده‌اند.

۳-۷. حرکت (الحركة): اشاره به پویایی داستان دارد که سبب می‌شود تماشاگر مشتاقانه برای آگاهی از سرانجام ماجرا آن را دنبال کند؛ زیرا توقف حوادث، سبب ملال و خستگی تماشاگران می‌شود (کامل الخطیب، ۱۰۶).

حرکت از لحاظ روایی - نمایشی، بیشتر با خواندن کل مقامه‌ها قابل تصور است؛ زیرا قهرمان مقامه‌ها (ابوزید سروجی) در عنفوان جوانی، شروع به تکدی و فریب مردم می‌کند و با توجه به حوادث و فراز و نشیب‌هایی که طی می‌کند در آخرین مقامه، فردی پیر و فرتوت شده که از لحاظ ذهنی و اخلاقی نیز دچار تحول و تطور شده است و از کارهای سابق خود پشیمان است. خواننده با

خواندن مقامه‌ها احساس کسالت و ملال نمی‌کند؛ زیرا در مقامات حریری، تنوع رخدادها، تعدد فضا، دعوای تصنعی، گفتگوهای پویا، حوادث عجیب و غریب و مهم‌تر از همه، عنصر تعلیق وجود دارد.

با بررسی ساختار درام و عناصر نمایش در مقامات حریری، مشخص می‌شود که حریری دو "شخصیت" خیالی (ابوزید و حارث بن همام) که متناسب با "موضوع" مقامات هستند، خلق کرده و با استفاده از عنصر "هماهنگی" دراماتیک، "تضادی" را در بطن روابط آن‌ها پی‌ریزی کرده که تعادل زندگی شخصیت‌ها را برهم می‌ریزد و منجر به "آشفتگی" وضع آن‌ها می‌شود. شخصیت‌ها برای برطرف کردن این آشفتگی با عمل و "گفتار"، به "کشمکش" با عوامل ایجادکننده‌ی وضع موجود می‌پردازند. کشمکش آن‌ها با موانع و "پیچیدگی"‌های جدید روبه‌رو می‌شود و این پیچیدگی‌ها، جنبه‌های گوناگون شخصیت‌ها را آشکار می‌سازد و موجبات "تعلیق" رویدادها را فراهم می‌آورد که باعث بیشتر شدن جنبه‌های دراماتیک مقامات نیز می‌شود. با به نتیجه رسیدن کشمکش‌ها و قطع تعلیق رویدادها، پیام و "نتیجه"ی مقامات نیز برای خواننده مشخص می‌شود. برای پاسخ به مسئله‌ی مقاله، یعنی مشخص کردن بسآمد و ترتیب فراوانی عناصر نمایش در مقامات حریری، با ترسیم جدولی (جدول ۳-۱)، وجود داشتن یا نبودن عناصر نمایشی برای هر یک از نوزده مقامه مشخص شد. همچنین با ترسیم جدولی دیگر (جدول ۳-۲)، فراوانی این عناصر در نوزده مقامه، به میزان درصد نیز مشخص شد.

واکاوی عناصر نمایشی در "مقامات" حریری (۵۰۴ هـ ق) ۱۴۳

جدول ۱-۳ عناصر نمایشی در مقامات حریری

عناصر نمایشی	نام مقامه	صناعیه	دمیاطیه	کوفیه	مراغیه	مغریه	اسکندریه	رحبیه	بغدادیه	فرضیه	مغریه	سنجاریه	فرائیه	شعریه	رقطاه	واسطیه	زبیدییه	صعدیه	بکریه	حرامیه	
تعریف	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
هماهنگی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
آشفتگی و گره افکنی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
کشمکش	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
تعلیق	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
نتیجه	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
موضوع	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
حادثه	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
شخصیت	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
گفتگو	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
زمان <sup>۱</sup>	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
مکان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
حرکت	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

جدول ۲-۳ فراوانی عناصر نمایشی در نوزده مقامه از مقامات حریری

عناصر نمایشی	تعریف	هماهنگی	آشفتگی و گره افکنی	کشمکش	تعلیق	نتیجه	موضوع	حادثه	شخصیت	گفتگو	زمان	مکان	حرکت
فراوانی (درصد)	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۴	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۲.۶	۱۰۰	۱۰۰

۱. وقایع تمامی حکایت‌ها در بستر زمان رخ داده‌اند؛ فقط در تعدادی از حکایت‌ها عنصر زمان به صورت خاص مشخص نشده؛ لذا برای اینگونه از حکایت‌ها عنصر زمان علامت‌گذاری نشده است.

مقامه از مقامات حریری مشخص شد؛ برای به دست آوردن آمار درصدی، بدین صورت عمل کردیم که با شمارش تک‌تک عناصر نمایش در نوزده مقامه، تعداد مرتبه‌ای که هر یک از آن‌ها در نوزده مقامه به‌کار رفته، مشخص کردیم و سپس درصد آماری برای آن‌ها ذکر کردیم؛ برای نمونه عنصر "موضوع" در تمامی نوزده مقامه به‌کار رفته، لذا فراوانی عنصر "موضوع" در نوزده مقامه، ۱۰۰٪ است.

### نتیجه‌گیری

هرچند نمایش در دوره‌ی معاصر، وارد ادبیات عربی شده، با توجه به آنچه در این مقاله ذکر شد، مشخص گردید که بیشتر عناصر ساختاری درام و عناصر نمایش با بالاترین بسامد در نوزده مقامه از مقامات حریری به‌کار رفته‌اند. عنصر زمان، حضور کمتری نسبت به سایر عناصر نمایش در مقامات دارد. دو عنصر گفتگو و شخصیت‌پردازی از مهم‌ترین عناصر نمایشی مقامات محسوب می‌شوند؛ زیرا حریری دو شخصیت خیالی خلق کرده که تمام ماجراهای مقامات به‌نوعی با آن دو در ارتباط هستند. گفتگو نیز نیمی از حجم مقامات را به خود اختصاص داده و به‌وسیله‌ی آن، طرح حکایت‌ها به پیش می‌روند. استفاده‌ی زیاد از عنصر گفتگو در مقامات حریری، متون مقامات را شبیه به متون نمایش کرده است. این مقاله می‌تواند الگویی برای ظرفیت‌سنجی نمایشی سایر آثار کلاسیک ادبیات عربی باشد. مقامات حریری، کوتاه هستند؛ لذا مدت زمان حضور عناصر نمایشی در آن‌ها طولانی نمی‌شود؛ یعنی بلافاصله پس از عنصر تعریف، طرح مسئله و گره‌افکنی آغاز می‌شود و به تبع آن، عنصر کشمکش ارائه شده و به‌صورت تعجب‌برانگیزی گره‌گشایی انجام می‌شود. صحنه‌های مقامات حریری این امکان را به خواننده می‌دهد که خود شخصاً در آن حضور پیدا کند؛ گویا حریری در

نظر داشته تا با توصیف‌های اندک و کلی درباره صحنه‌ها، بیشتر ذهن خواننده را درگیر گفتگوی شخصیت‌ها کند تا خواننده آن‌گونه که خود می‌خواهد، صحنه‌ها را متناسب با درک خود و ایجاد هماهنگی بین آن‌ها و دیگر عناصر، ترسیم کند تا از این طریق، بیشتر تحت تأثیر قرار گیرد. هرچند که حکایت‌های مقامات، محدودیت صحنه دارند و حوادث آن در بیشتر از یکی دو صحنه رخ نمی‌دهند به اندازه‌ای قوی و منسجم هستند که خللی به روند حکایت‌ها و انسجام آن‌ها وارد نشود.

متون روایی عربی به‌ویژه مقامات حریری نه‌تنها از نظر درونمایه که حتی از نظر دربرداشتن بسیاری از عناصر نمایشی، قابلیت زاینده‌ای برای بهره‌مندی نمایش‌نامه‌نویسان و کارگردانان خلاق آثار هنری - نمایشی دارد.

#### پیوست

درباره "مقامات حریری"، آثار متعددی نوشته شده که معرفی همه‌ی آن‌ها در پیشینه‌ی تحقیق میسر نبود؛ لذا در پیوست مقاله، اشاره‌ای گذرا به این آثار می‌کنیم تا با نگاهی به "عناوین" این آثار، تمایز آن‌ها با مقاله‌ی حاضر مشخص شود.

- حریری، فیروز و مجیدی، حسن؛ "بررسی مقامات ابوالقاسم حریری"؛ مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران؛ شماره‌ی ۱۸۱؛ بهار ۱۳۸۶.

- الحریری؛ مقامات؛ شرح: ابوالعباس الشریشی؛ دارالفکر للطباعة؛ بیروت لبنان؛ ۱۴۱۲ هـ.ق.

- دادخواه حسن و لیلا جمشیدی؛ "بررسی تطبیقی سبک ادبی در مقامات حریری و حمیدی"؛ پژوهشنامه‌ی علوم انسانی؛ شماره‌ی ۵۴؛ تابستان ۱۳۸۶.

- كردعلى، محمد؛ " الحريرى ابومحمد القاسم بن على البصرى "؛ مجله اللغة العربية بدمشق؛ المجلد الخامس و العشرون؛ العدد الاول؛ ربيع الاول ١٣٦٩ق.
- منير وليد؛ "المقامة و تاويل القراءه"؛ مجلة الفصول؛ مجلد ١٢؛ ج ٣؛ خريف ١٩٩٣.
- نور عوض، يوسف؛ فن المقامة بين المشرق و المغرب؛ دارالقلم؛ بيروت؛ ١٩٧٩م.

## منابع و مأخذ

### منابع عربى

- ابو عيسى، زياد؛ ٢٠٠٣م، كلام عن المسرح؛ الطبعة الاولى، مكتبة النشر و التوزيع و الاعلام؛ بيروت.
- اخلاصي، وليد؛ ١٩٩٧م، لوحة المسرح الناقصة (ابحاث و مقالات في المسرح)، منشورات وزارت الثقافة؛ دمشق.
- الراعي، علي؛ ١٩٨٠م، المسرح في الوطن العربي، عالم المعرفة، الكويت.
- شاكر، الحاج مخلف؛ ٢٠٠٠م، في الادب و الفن، دار علاءالدين، دمشق.
- ضيف، شوقي؛ لا تا، الفن و مذاهبه في النثر العربي؛ ط الثامنة، دارالمعارف؛ القاهرة.
- كامل الخطيب، ١٩٩٠م، محمد؛ نظرية المسرح، القسم الاول، منشورات وزارة الثقافة؛ دمشق.
- كريفش، استوارت؛ ١٩٨٦م، مناعات المسرحية، ترجمه: عبدالله دباغ، وزارة الثقافة؛ بغداد.
- الكعبي، ضياء؛ ٢٠٠٥م، السرد العربي القديم؛ بيروت؛ المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- مبارك، زكي؛ ١٩٣١م، النثر الفني في القرن الرابع، المكتبة العصرية؛ بيروت.
- المواي، ناصر عبد الرزاق؛ ١٩٩٧م، القصة العربية؛ ط ٣؛ دارالنشر للجامعات؛ مصر.

منابع فارسی

- باقرزاده طوسی، محمدعلی؛ ۱۳۸۸ش، *مبانی هنر نمایش*، چاپ اول، موسسه‌ی انتشاراتی ضریح آفتاب، مشهد،
- بهشتی، الهه؛ ۱۳۷۵، *عوامل داستان؛ انتشارات برگ؛ تهران.*
- بی‌نیاز، فتح‌الله؛ ۱۳۸۷، *درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی*، افراز؛ تهران.
- دادخواه، حسن و لیلا جمشیدی؛ تابستان ۱۳۸۶، "بررسی تطبیقی عنصر گفتگو در مقامات حریری و حمیدی"؛ *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز؛ دوره ۲۶؛ شماره دوم؛ پیاپی ۵۱.*
- شمیسا، سیروس؛ ۱۳۷۳، *انواع ادبی؛ انتشارات فردوسی؛ تهران.*
- قادری، نصرالله؛ ۱۳۸۸، *آناتومی ساختار درام؛ چاپ سوم؛ تهران؛ نیستان.*
- گربانیه، برنارد؛ ۱۳۸۳، *هنر نمایش نامه نویسی؛ مترجم: ابراهیم یونسی؛ نشر قطره؛ تهران.*
- گشایش، فرهاد؛ ۱۳۷۹، *خلاقیت نمایشی؛ تئاتر-سینما؛ چاپ چهارم؛ انتشارات مارلیک؛ تهران.*
- مکی، ابراهیم؛ ۱۳۸۵، *شناخت عوامل نمایش؛ چاپ پنجم؛ انتشارات صدا و سیما؛ تهران.*
- میرصادقی، جمال؛ *ادبیات داستانی؛ انتشارات علمی؛ تهران.*
- میرصادقی، جمال؛ ۱۳۸۰، *عناصر داستان؛ چاپ چهارم؛ انتشارات سخن؛ تهران.*
- میرصادقی، جمال و میمنت؛ ۱۳۷۷، *واژه نامه‌ی هنر داستان؛ کتاب مهناز؛ تهران.*
- نوراحمد، همایون؛ ۱۳۸۱، *فرهنگ اصطلاحات تئاتر؛ چاپ اول؛ نشر قطره؛ تهران.*

## تحليل عناصر المسرحية في "مقامات" الحريري

خليل پرويني<sup>١</sup>، روح‌اله نصيري<sup>٢</sup>، كبرى روشنفكر<sup>٣</sup>، محمدرضا خاكي<sup>٤</sup>

### الملخص

المسرحية فن جديد ولج باب الحضارة العربية منذ بدايات النهضة الحديثة، بينما توجد حكايات كثيرة فيها طاقة مسرحية في الأدب العربي الكلاسيكي. ولاشك أن دراسة تلك الحكايات و التعريف بطاقتها و عناصرها المسرحية توفر لكاتبتي المسرحيات موضوعات متنوعة و قابلة للتحوّل الي انواع المسرحية المعاصرة. و بموجب هذا الأمر يتم إعادة تعريف الأعمال الأدبية القديمة للمعاصرين و أيضاً سينتفع الأعمال المسرحية المعاصرة من الموضوعات و المحتويات الفضليات.

في هذه المقالة يجري البحث حول تحليل عناصر المسرحية في مقامات الحريري. مقامات الحريري تشتمل علي خمسين حكاية دراماتيكية الفت طوال سنة ١٩٩٥ الي ٥٠٤ هـ.ق. في بعض حكايات المقامات، استخدمت عناصر المسرحية كـ"الحبكة" بأجزائها المختلفة (العرض، التّضاد الدّراماتيكية، التّعقيد، الصّراع، المُماثلة و الحل التّهائي) و "الموضوع"، "الحدث"، "الشّخصية"، "الحوار"، "الزّمن و المكان" و "العمل الدّراماتيكي". في هذه المقالة، مستخدماً الاسلوب الوصفيّ - التحليليّ، تطرّقنا الي تحليل عناصر المسرحية في "مقامات" الحريري لتقييم البناء المسرحي فيها و ايضاً لنلفت انتباه كاتبتي المسرح المعاصرين الي أخذ موضوعات متنوعة من مقامات الحريري لكتابة المسرح.

### المفردات الرئيسية: عناصر المسرحية، البناء المسرحي، مقامات الحريري.

١ . استاذ مشارك في قسم اللغة و آدابها، العربية بجامعة تربيت مدرس

٢ . دكتوراه في اللغة العربية و آدابها، بجامعة تربيت مدرس

٣ . استاذ مساعد في قسم اللغة العربية و آدابها، بجامعة تربيت مدرس

٤ . استاذ مساعد في كلية الفنون الجميلة بجامعة تربيت مدرس